

## بررسی رابطه رفتارهای متفاوت ارتباطی - نظارتی والدین در وضعیت‌های مختلف تحصیلی و اجتماعی فرزندان دانشجو\*

### Effects of Parental Behavior on Academic Achievement and Social Adjustment of University Student Children

A. Mazaheri, Ph.D.

M. S. Sadeghi, Ph.D. ✉

M. Heidari, Ph.D.

دکتر علی مظاهری

دانشیار، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی

دکتر منصوره السادات صادقی ✉

استادیار، پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

دکتر محمود حیدری

استادیار، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۸۸/۱۱/۲۹

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۹/۲/۱۵

پذیرش مقاله: ۸۹/۵/۴

#### Abstract

The purpose of this study, as a national research, was to investigate the effects of the parents' relational and supervision behavior on the academic achievement and social adjustment of their university student children. 2636 individuals, including 1318 undergraduate, unmarried students from Shahid Beheshti, Tabriz, Isfahan, Gilan and Shahre-Kord universities (421 underachieved, 411 with good achievement who were matched with

#### چکیده:

هدف از مقاله حاضر، به عنوان بخشی از یک پژوهش ملی، بررسی تأثیر رفتار ارتباطی و نظارتی والدین بر وضعیت تحصیلی - اجتماعی دانشجویان می‌باشد. تعداد ۲۶۳۶ نفر متشکل از ۱۳۱۸ دانشجو از میان دانشجویان مجرد دوره‌های کارشناسی دانشگاه‌های شهید بهشتی، تبریز، اصفهان، شهرکرد و گیلان (دانشگاه‌های جامع دولتی تحت پوشش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در گروه‌های آموزشی پنج‌گانه) و ۱۳۱۸ نفر والد پاسخگو

\* این پژوهش با حمایت مالی معاونت فرهنگی اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری انجام شده است.

✉ نویسنده مسئول: تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده

تلفن: ۰۲۱-۲۹۹۰۲۳۸۷

پست الکترونیکی: [m\\_sadeghi@sbu.ac.ir](mailto:m_sadeghi@sbu.ac.ir)

✉ Corresponding author: Family Research Institute, Shahid Beheshti University (G.C), Tehran  
Tel: +9821-29902387  
Email: [m\\_sadeghi@sbu.ac.ir](mailto:m_sadeghi@sbu.ac.ir)

the underachieved group, 237 maladjusted and 245 with no problem in their adjustment and/or achievement who were matched with the maladjusted group), and 1318 responded parents (mother or father) were selected through systemic sampling method. Both members of the family (student and his/her parent) separately completed a questionnaire about quality and quantity of the students' relationships with their family and also the parents' supervision beliefs and behavior. The results revealed that the maladjusted and underachieved groups have significantly lower mean scores on the "Quantity of Relationships", "Quality of relationships", "Supervision Behavior", and "Need for Supervision" scales, all of them as viewed by both the young adult children and parents, than the good-achievement and no-problem groups. The role of the quality of parent-child relationships and amount of parental control on the mental health, academic achievement and adjustment of the university students via increasing their motivations as well as their self-efficacy is discussed.

**Keywords:** Parental Relationships, University Students, Academic Achievement, Social Adjustment, Iran.

والد یا یکی از افرادی که به عنوان مراقب اصلی با دانشجو زندگی می‌کند، با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. معیار انتخاب، پیشرفت تحصیلی و سازگاری اجتماعی با محیط دانشگاه بوده که در این چارچوب از میان دانشجویان ۴۲۱ دانشجوی مشروط و ۴۱۱ نفر معادل مشروط، ۲۳۷ دانشجوی کمیته انضباطی، ۲۴۵ نفر معادل کمیته انضباطی، انتخاب شدند. سپس هر دو عضو خانواده‌های شرکت‌کننده در طرح (دانشجو و والد پاسخگو) به طور جداگانه مقیاس سنجش کیفیت ارتباط با خانواده و میزان نظارت والدین را تکمیل کردند. مقایسه نتایج گزارش شده در این پژوهش نشان داد که تفاوت میانگین نمرات متغیرهای مقیاس‌های چندگانه (ارتباط از دید فرزند و والد، گرمی ارتباط از دید فرزند و والد، نظارت از دید فرزند و والد و لزوم نظارت از دید فرزند و والد) در بین دانشجویان متعلق به گروه‌های مشروط، کمیته انضباطی و گروه‌های معادل آن‌ها به‌گونه‌ای است که میانگین نمرات ارتباط و گرمی ارتباط و همچنین نظارت، در دانشجویان و والدین دانشجویان متعلق به گروه‌های مشروط و کمیته انضباطی نسبت به گروه‌های معادل آن‌ها پایین‌تر و تفاوت میانگین نمرات معنادار است. کیفیت ارتباط والدین با فرزندان، میزان محبت و کنترل والدین، از مؤلفه‌های مهم در افزایش سلامت روان دانشجویان است. ارتباط مناسب والدین و فرزندان، همدردی در مورد مشکلات، تبادل نظر در مورد مسائل تحصیلی و اجتماعی و کنترل و نظارت بر وضعیت آن‌ها منجر به ایجاد احساس خودکارآمدی در دانشجویان و انگیزه بیشتر برای کسب موفقیت‌های بعدی در تحصیل می‌گردد.

**کلیدواژه‌ها:** رفتارهای ارتباطی والدین، رفتارهای نظارتی والدین، دانشجویان، وضعیت تحصیلی، سازگاری اجتماعی

## مقدمه

در چرخه حیات انسان، تحول پدیده‌ای دائمی و غالب است. از نگاه پژوهشگران ورود به دوره دانشگاه به عنوان یکی از مهم‌ترین مراحل تغییرات و دوره‌های گذار در زندگی یک نوجوان یا جوان است (تائو و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰). با در نظر گرفتن فرصت‌های تحولی برای نوجوانان، ورود به دانشگاه می‌تواند به عنوان یک حادثه بسیار مهم در زندگی افراد به شمار آید که شامل تغییرات مهمی در ابعاد مختلف است. به عنوان نمونه، کنترل و حمایت والدین و معلمان از دانشجویان کاهش یافته و برنامه‌های روزانه تغییر می‌کند (مک‌کارتی و همکاران<sup>۲</sup>، ۱۹۹۸). در عین حال افراد با چالش‌های جدیدی در تحصیلات، ارتباطات اجتماعی و دیگر زمینه‌ها مواجه می‌شوند که به وسیله یک محیط کاملاً جدید به آن‌ها تحمیل می‌گردد. این تغییر و تحولات، منجر به افزایش سطح تنیدگی (اسکر، وود و گاتهام<sup>۳</sup>، ۱۹۹۶) و شیوع مشکلات سازش‌یافتگی در بین دانشجویان، به خصوص در سال‌های اول و دوم می‌شود (جی و یو<sup>۴</sup>، ۱۹۹۰؛ پانتاگس و گریدان<sup>۵</sup>، ۱۹۷۸؛ هر دو به نقل از مک‌کارتی و همکاران، ۱۹۹۸).

این مسئله، توجه بسیاری از پژوهشگران را در پژوهش‌های دوران نوجوانی و جوانی به خود جلب کرده (آدامز<sup>۶</sup>، ۲۰۰۰) و نشان داده که بایستی به ورود به دانشگاه به عنوان یک دوره گذار نوجوانی و موضوع سازگاری فرد با آن به عنوان محیطی جدید توجهی دوباره کرد. اگرچه اغلب دانشجویان با محیط جدید به سرعت خو می‌گیرند، اما برای برخی این دوره گذار، استرس‌های شخصی و ناسازگاری‌های هیجانی به دنبال دارد.

مرور گسترده تحقیقات تجربی انجام گرفته در این زمینه که به طور خاص بر جمعیت‌های دانشجویی تمرکز داشته‌اند، به وضوح نشان می‌دهد که یک خوشه از مهم‌ترین عوامل پیش‌بینی‌کننده چگونگی سازگاری دانشجویان با محیط‌های جدید به خصوص دانشگاه، مؤلفه‌های مرتبط با خانواده دانشجویان و ارتباط‌های خانوادگی آن‌ها می‌باشد (اوکر و حیجازی<sup>۷</sup>، ۲۰۰۹؛ لاموئه و همکاران<sup>۸</sup>، ۱۹۹۵؛ به نقل از اسکمک و انگوین، ۱۹۹۶). به عنوان نمونه در پژوهش‌ها نشان داده شد که حمایت خانواده رابطه مثبتی با رضایت از زندگی در دانشجویان و سطح پایین‌تری از احساسات منفی مانند تنهایی، اضطراب و افسردگی دارد (هانزبرگر، پانسر، پرات و آلیسات<sup>۹</sup>، ۱۹۹۴؛ ریگو، واترینگ و تراک مارتن<sup>۱۰</sup>، ۱۹۹۳؛ هر دو به نقل از وینتر و یاف<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۰). در پژوهش‌های مورد اشاره وضعیت تحصیلی و رفتاری دانشجویان نیز به عنوان دو بعد از مهم‌ترین ابعاد سازگاری در نظر گرفته شده است. نبل-اسچوالم<sup>۱۲</sup> (۲۰۰۶) تأکید دارند که این ابعاد در جوانان با عوامل مختلفی از قبیل سبک‌های والدگری، میزان درگیری و مشاجره‌های والدین، سطح تعارض خانواده، توانایی شناختی و موقعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده‌ها مرتبط است.

به دنبال پژوهش‌های فوق پژوهش‌های متعدد دیگری با هدف دست یافتن به توانایی فهم و بررسی ارتباط متغیرهای محیطی مؤثر بر عملکردهای تحصیلی و سازگاری اجتماعی انجام شد. از جمله این متغیرها می‌توان به روش‌های انضباطی<sup>۱۳</sup> و سبک‌های والدگری<sup>۱۴</sup> (دورنباخ، ریتز، لیدمن، رابرتز و فرالیگ<sup>۱۵</sup>، ۱۹۸۸)، میزان دخالت والدین<sup>۱۶</sup> (کیت و همکاران<sup>۱۷</sup>، ۱۹۹۸)، توانایی شناختی والدین (نیسر و همکاران<sup>۱۸</sup>، ۱۹۹۶؛ کول و کیت<sup>۱۹</sup>، ۱۹۹۱)، اختلافات بین والدین (دمو و آکوک<sup>۲۰</sup>، ۱۹۸۸؛ فورهند و همکاران<sup>۲۱</sup>، ۱۹۹۰؛ آنگر، مکلد، برون و رسل<sup>۲۲</sup>، ۲۰۰۰)، آسیب‌شناسی روانی والدین (کاراستیس، پاور، ریسکورلا، ایرالدی و گالاگر<sup>۲۳</sup>، ۲۰۰۰) و موقعیت‌های اجتماعی-اقتصادی خانواده (هیل<sup>۲۴</sup>، ۲۰۰۱؛ بلیر و بلیر، مادامبا<sup>۲۵</sup>، ۱۹۹۹؛ به نقل از هیل، ۲۰۰۱) اشاره داشت.

به عنوان نمونه آنگر و همکاران<sup>۲۶</sup> (۲۰۰۰) ارتباط بین تعارضات زناشویی، حمایت خانواده و عملکرد تحصیلی را در نوجوانان بررسی کردند. در این مطالعه حمایت خانواده شامل سطح درک جوان از نزدیکی عاطفی و درگیر بودن والدین در بحث‌های درسی فرزندان بوده است. نتایج نشان دادند که حمایت خانواده متغیر تعدیل‌کننده تعارضات زناشویی و پیشرفت تحصیلی است. بنابراین کیفیت ارتباط والد-فرزند نسبت به تعارضات زناشویی، متغیر پیش‌بینی‌کننده بهتری است.

پژوهشگران اعتقاد دارند که تأثیرگذاری اختلافات زناشویی و طلاق بر پیشرفت تحصیلی، از طریق ایجاد اختلال در رابطه والد-فرزند است؛ به‌گونه‌ای که در خانواده‌هایی که تعارضات زناشویی بالا است، اما ارتباط حمایتی کافی بین والدین و فرزندان وجود دارد، فرزندان نتایج تحصیلی ضعیفی را نشان نمی‌دهند (آماتو و کیت<sup>۲۷</sup>، ۱۹۹۱؛ فورهند و همکاران، ۱۹۹۲؛ ال شیخ و ال مور-استین<sup>۲۸</sup>، ۲۰۰۴). مطالعات متعددی نیز گزارش کرده‌اند که سازگاری‌های موفقیت‌آمیز در بین دانشجویان با سطوح بالاتر حمایت و محبت خانواده و والدین مرتبط است (کنی و دونالدسون<sup>۲۹</sup>، ۱۹۹۱؛ لاپسلی و همکاران<sup>۳۰</sup>، ۱۹۹۰ و رایس، فیتزجرالد، والی و گیبس<sup>۳۱</sup>، ۱۹۹۵).

از دیگر سو، با ورود نوجوانان به دوره بزرگسالی، والدین معمولاً با کاهش تدریجی سطح نظارت خود بر جوانان، انتظار دارند که جوانان خود به صورت خودکار یا خودخواسته به اعمال نظارت درونی بر خود همت گمارند. در جوامع شرقی و از آن جمله ایران، خصوصیات متمایزی در بافت اجتماعی نسبت به جوامع غربی دیده می‌شود. به عنوان نمونه در این جوامع بر پیوستگی خانواده تأکید بیشتری شده و ارتباط بین والد-فرزند خیلی نزدیک است، تا آن‌جایی که والدین و همشیران در اغلب موارد به عنوان یک منبع اجتماعی مهم برای دانشجویان ایرانی در بدو ورود به دانشگاه محسوب می‌شوند.

بنابراین با توجه به این‌که مطابق نتایج پژوهش‌ها ورود به دانشگاه به عنوان یک مرحله گذار در زندگی افراد در نظر گرفته شده که می‌تواند با استرس‌های فراوانی برای دانشجویان همراه بوده و به خصوص در سال اول دانشگاه دانشجویان را با مشکلات و مسائل سازشی روبه‌رو کند و سطح تنیدگی

در دانشجویان و خصوصاً دانشجویان سال اول دانشگاه را بسیار بالا ببرد (اسکر، وود و گاتهام، ۱۹۹۶؛ مک‌کارتی و همکاران، ۱۹۹۸) و نیز با توجه به اهمیت بسیار زیاد تأثیر وضعیت تحصیلی، اجتماعی و رفتاری فرزندان بر عملکرد دوران بزرگسالی و انجام پژوهش‌های متعدد در این زمینه (رک: نبل-اسچوالم، ۲۰۰۶ و دس فورگس و آبوچار<sup>۳۲</sup>، ۲۰۰۶)، هم‌چنین با در نظر گرفتن روابط والد-فرزندی و شناخت آن به عنوان یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین روابطی که افراد می‌توانند تجربه کنند و نیز به عنوان عاملی مؤثر و مداخله‌گر در کیفیت عملکردهای تحصیلی و سازگاری اجتماعی فرزندان (دورنباخ، ریتز و لیدرمن<sup>۳۳</sup>، ۱۹۸۷)، می‌توان یکی از زمینه‌های مهم علت‌یابی، پیش‌بینی و پیش‌آگهی روند تغییرات در بررسی وضعیت تحصیلی و اجتماعی فرزندان را در چگونگی ارتباط والد-فرزند و در درون خانواده جستجو کرد. به بیان دیگر منشأ اصلی و بنیادی تفاهم و روابط اجتماعی ریشه در تعاملات و ارتباطاتی دارد که منشأ و سرچشمه آن خانواده است. نتایج تحقیقات مختلف در مورد خانواده نشان داده که اعضای خانواده به عنوان یک گروه، تعاملات پیچیده‌ای با یکدیگر دارند که متأثر از محیط کلی خانواده است. پژوهشگران بر این عقیده‌اند که بهترین ملاک و معیاری که بر اساس آن می‌توان کیفیت اخلاقی، اجتماعی و روانی افراد را مورد ارزیابی و دقت قرار داد، همان شبکه ارتباطی اعضای خانواده و مجموعه قوانین حاکم بر محیط و جو خانواده می‌باشد (ملاشریفی و همکاران، ۱۳۸۴).

با توجه به آنچه گذشت بررسی رابطه میزان دخالت والدین (میزان و کیفیت ارتباط والدین و حدود و شیوه نظارت والدین) با وضعیت تحصیلی فرزندان دانشجوی آن‌ها در ایران نیازمند پژوهش‌های بنیادی است. پژوهش‌هایی که در این زمینه در ایران انجام شده بیشتر در زمینه بررسی تأثیر عوامل خانوادگی در افت و یا پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان (به عنوان نمونه زاده‌محمدی و همکاران، ۱۳۸۵) است. در پژوهش حاضر سعی شده تا برای نخستین بار در ایران تا حدودی به بررسی این موضوع با طرح این سؤال که آیا دانشجویانی که خانواده‌های (والدین) آن‌ها ارتباط و نظارت بیشتری بر وضعیت تحصیلی و رفتاری آن‌ها دارند، از وضعیت تحصیلی، سازشی و رفتاری بهتری در دانشگاه برخوردار می‌شوند، پرداخته شود.

## روش

### جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانشجویان مجرد دوره‌های کارشناسی دانشگاه‌های جامع دولتی تحت پوشش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در گروه‌های آموزشی پنج‌گانه می‌باشد. از جامعه آماری فوق شش دانشگاه تهران، شهید بهشتی، تبریز، اصفهان، گیلان و شهرکرد انتخاب شدند. انتخاب دانشگاه‌های مذکور به دلیل انتخاب دو دانشگاه جامع از شهر تهران، دو دانشگاه از

شهرهای بزرگ کشور و دو دانشگاه از شهرهای به نسبت کوچک‌تر کشور بود. البته بایستی ذکر شود که علی‌رغم رایزنی‌های بسیار، دانشگاه تهران به دلیل عدم همکاری مسئولین مربوطه به اجبار حذف و نمونه‌گیری به صورت هدفمند از ۵ دانشگاه دیگر انجام شد. گروه نمونه شامل چهار گروه بود: دانشجویان مقطع کارشناسی که مشکل تحصیلی دارند (حداقل یکبار مشروط و نیز معدل کل ۱۳ به پایین)؛ دانشجویان مقطع کارشناسی که مشکل تحصیلی و انضباطی ندارند و از نظر تحصیلی معدل آن‌ها بالاتر از میانگین گروه خود است و با گروه ۱ جور هستند؛ دانشجویان مقطع کارشناسی که مشکل انضباطی- رفتاری داشته و دارای پرونده منجر به تصمیم‌گیری در کمیته انضباطی هستند؛ دانشجویان مقطع کارشناسی که مشکل انضباطی- رفتاری ندارند و از نظر تحصیلی معدل آن‌ها بالاتر از میانگین گروه خود است و با گروه ۳ جور هستند.

بدین ترتیب با توجه به معیارهای ورود و خروج، در هر یک از ۵ دانشگاه محل اجرای طرح، فرایند زیر اعمال شد:

۱- ابتدا از هر دانشگاه یک نفر از اعضای هیأت علمی گروه روان‌شناسی همان دانشگاه انتخاب شد تا ضمن جلب همکاری دانشگاه در خصوص اجرای طرح در دانشگاه مربوطه، بر فرایند انتخاب گروه نمونه، اجرای پرسشنامه‌ها و جمع‌آوری داده‌ها نیز نظارت فعال و نزدیک داشته باشد.

۲- پس از رایزنی‌های ضروری همکاران پژوهشی طرح (اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها) با ریاست، معاونین آموزشی و دانشجویی- فرهنگی دانشگاه‌ها و اخذ مجوز برای دسترسی به اسامی افرادی که مشکل تحصیلی و انضباطی- رفتاری داشته‌اند، لیست اسامی دانشجویان توسط سرپرستگران فراهم شد. برای این کار ابتدا لیست دانشجویان مقطع کارشناسی که حداقل یکبار مشروط و نیز معدل کل ۱۳ به پایین داشته‌اند از آموزش دانشگاه تهیه شد، سپس اگر تعداد این دانشجویان بیش از ۱۰۰ نفر بود، تعداد ۱۰۰ نفر از این گروه با توجه به سال ورود به دانشگاه، جنسیت، گروه آموزشی، رشته، شهر و محل سکونت (بومی و غیربومی بودن)، به صورت نمونه‌برداری سهمیه‌ای و بر اساس نسبت‌های موجود در این متغیرها انتخاب شدند تا تنوع انتخاب از سال‌های متفاوت تحصیلی، رشته تحصیلی، محل سکونت و ترکیب دو جنس رعایت شود (اگر تعداد این دانشجویان معادل یا کمتر از ۱۰۰ نفر بود، تمامی آن‌ها به عنوان گروه نمونه در نظر گرفته می‌شدند)، پس از انتخاب گروه نمونه هدفمند مشکلات تحصیلی، با در نظر گرفتن معیارهای ورود، گروه معادل از بین دانشجویان کارشناسی همان کلاس‌ها و به همان تعداد اما با شرط این‌که معدل آن‌ها از میانگین گروه خود بالاتر باشد و سابقه مشروط شدن هم نداشته باشند، انتخاب شدند. در مورد دانشجویان گروه کمیته انضباطی نیز ابتدا لیست دانشجویان مقطع کارشناسی که به دلیل دارا بودن مسئله یا مشکل انضباطی و یا رفتاری، پرونده آن‌ها به کمیته انضباطی دانشگاه ارجاع شده و در این کمیته منجر به اتخاذ تصمیم انضباطی

در خصوص آن‌ها شده بود، از کمیته انضباطی تهیه و سپس تمام مراحل مشابه محلی که برای دانشجویان گروه مشروطی و معادل آن‌ها ذکر شد، انجام گرفت.

۳- سپس پرسشگران با هماهنگی آموزش و استاد مربوطه به کلاس‌ها مراجعه و پرسشنامه‌های مشخص شده مخصوص دانشجویان را برای تکمیل به دانشجویان دادند. البته نه دانشجویان (و نه پرسشگران) متوجه انتخاب خود بر اساس لیست تهیه شده از کمیته انضباطی و یا آموزش بر اساس وضع تحصیلی یا سازشی خود نشدند. تعداد دانشجویان انتخاب شده بیش از نمونه انتخابی بود تا اگر دانشجویی تمایل به شرکت در پژوهش نداشت، از لیست کنار گذاشته شود.

۴- پس از اتمام نمونه‌گیری، پرسشگران با مراجعه به پرونده‌های آموزشی، شماره تلفن منزل پدری (محل سکونت) دانشجویان را برای برقراری ارتباط با یکی از والدین آن‌ها یادداشت نمودند و با والدین دانشجویان انتخاب شده ارتباط تلفنی برقرار نمودند. ذکر این نکته ضروری است که پرسشنامه مخصوص والدین بر اساس یک مصاحبه ساخت یافته توسط خود پرسشگران تکمیل شد. پرسشگران قبل از تکمیل پرسشنامه، در زمینه معرفی خود و توضیح به والد پاسخگو که از کدام شماره (با ذکر شماره تلفن) و از کدام محل کار و به چه منظوری تماس گرفته شده است، آموزش‌های لازم را گذرانده بودند. البته با توجه به این‌که تعدادی از شماره تلفن‌ها اشتباه و یا منزل تعویض شده بود، پرسشگران با مراجعه مجدد به آموزش هر دانشکده و بررسی آخرین برگه انتخاب واحد، آخرین شماره تلفن را یادداشت و این مرحله مجدداً تکرار شد.

لازم به توضیح است که فرایند نمونه‌گیری در دانشگاه گیلان به دلیل عدم همکاری مسئولین مربوطه روندی کند داشت که در نهایت با توجه به این‌که اسامی دانشجویان در اواخر دوران امتحانی و اوایل تعطیلات تابستانی تهیه شد، شیوه نمونه‌گیری در این دانشگاه به اجبار با دانشگاه‌های دیگر تفاوت پیدا کرد. در این دانشگاه پرسشگران با توجه به تعطیلی و عدم تشکیل کلاس‌ها با مراجعه به پرونده‌های آموزشی، شماره تلفن منزل تماس افراد را برای برقراری ارتباط با دانشجو و یکی از والدین وی یادداشت نمودند. بدین ترتیب هر دو فرم پرسشنامه دانشجو و والد پاسخگو توسط پرسشگران و از طریق برقراری ارتباط تلفنی تکمیل شد. به دلیل تفاوت نمونه‌گیری دانشگاه گیلان با سایر دانشگاه‌ها پس از جمع‌آوری اطلاعات، داده‌های این دانشگاه ابتدا به طور جداگانه مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت و با سایر نتایج مقایسه شد. سپس با توجه به این‌که داده‌های این دانشگاه نیز تفاوتی با سایر داده‌ها نداشت، اطلاعات جمع‌آوری شده از این دانشگاه به سایر اطلاعات اضافه، و مورد تجزیه و تحلیل نهایی قرار گرفت.

بدین ترتیب با اجرای روش فوق در مجموع تعداد ۲۶۳۶ نفر متشکل از ۱۳۱۸ دانشجو (۴۲۱ نفر مشروط و ۴۱۱ نفر معادل مشروط، ۲۳۷ نفر کمیته انضباطی، ۲۴۵ نفر معادل کمیته انضباطی) و ۱۳۱۸ نفر پاسخگو (والد یا یکی از افرادی که به عنوان مراقب اصلی با دانشجو زندگی می‌کند) در

پژوهش شرکت کردند. ذکر این نکته ضروری است که دلیل نابرابر بودن گروه‌های کمیته انضباطی و یا مشروط با گروه‌های معادل آن‌ها غیبت و عدم دسترسی به دانشجویان و یا عدم همکاری آن‌ها در تکمیل پرسشنامه می‌باشد.

### ابزار پژوهش

برای تهیه ابزاری معتبر جهت ارزیابی شکل، کمیت و کیفیت میزان ارتباط و نظارت والدین و نیز سطح ارتباط با دانشگاه و میزان اطلاع از وضعیت تحصیلی - رفتاری فرزندان دانشجوی خود، از دیدگاه والدین و دانشجویان ابتدا با مطالعه مباحث موجود در روان‌شناسی در خصوص کیفیت ارتباط والد- فرزند و نیز با توجه به پیشینه تجربی قبلی (از جمله شیفر، ۱۹۵۹؛ به نقل از آقاجری، ۱۳۷۴؛ باوم ریند، ۱۹۷۱؛ به نقل از برزونسکی، ۲۰۰۴؛ دارلینگ و استینبرگ، ۱۹۹۳) و با توجه به اهداف پژوهش چارچوب نظری پرسشنامه مورد نظر در زمینه روان‌شناسی فراهم آمد.

در پژوهش حاضر، ابعاد کیفیت ارتباط با خانواده (ارتباط و گرمی ارتباط) و میزان نظارت والدین (نظارت و لزوم نظارت) که در مجموع نوع و چگونگی رفتار ارتباطی- نظارتی والد- فرزند را نشان می‌دهد، منبع اصلی برای تدوین این پرسشنامه قرار گرفت و در چارچوب انطباق آن‌ها با مفاهیم نظری مطرح شده در الگوی نظری، این موارد جرح، تعدیل و اصلاح شدند و در نهایت با ترکیب تصادفی زیرمقیاس‌ها و درهم ریختن آن‌ها، در مجموع یک پرسشنامه ۲۳ ماده‌ای با ۴ زیرمقیاس: «ارتباط»، «گرمی ارتباط»، «نظارت» و «لزوم نظارت» جهت سنجش رفتار ارتباطی- نظارتی والد- فرزند تهیه شد.

به منظور بررسی روایی<sup>۳۴</sup> پرسشنامه بعد از تهیه ماده‌ها و فرم تجربی مقیاس، پرسشنامه مورد بررسی متخصصان روان‌شناسی قرار گرفت. پس از ارزیابی و اعمال نظرات کارشناسان، پرسشنامه ۲۳ سؤالی تکثیر گردید. اعتبار<sup>۳۵</sup> پرسشنامه نیز از طریق مطالعه مقدماتی بر روی ۱۵ نفر از دانشجویان و والدین آن‌ها انجام شد. اعتبار ابزارها در مطالعه مقدماتی توسط آلفای کرونباخ برای پرسشنامه والدین ۰/۸۵ و برای پرسشنامه دانشجویان ۰/۸۱ به دست آمد.

این پرسشنامه ۲۳ سؤالی از نوع لیکرت می‌باشد که ۱۰ سؤال مربوط به ارتباط و گرمی ارتباط است و گرمی- سردی (کیفیت) ارتباط والدین- فرزند را می‌سنجد، ۹ سؤال دیگر مربوط به نظارت تحصیلی و اجتماعی است که میزان اطلاعات والدین را در مورد وضعیت تحصیلی و اجتماعی دانشجویان (از دیدگاه دانشجویان و والدین) اندازه‌گیری می‌کند و در نهایت ۴ سؤال که لزوم نظارت در مورد وضعیت تحصیلی و اجتماعی دانشجویان را (از دیدگاه دانشجویان و والدین) می‌سنجد. پاسخ‌دهندگان روی یک مقیاس ۵ گزینه‌ای نشان می‌دهند که هر یک از سؤال‌های آزمون تا چه حد رفتار ارتباطی- نظارتی والدین را توصیف می‌کند. در واقع در این مقیاس ارزیابی رفتار ارتباطی-



نظارتی والدین و دانشجویان یکبار از دید دانشجویان و دیگر بار از دید والدین ارزیابی می‌شود. نمرات ارتباط، گرمی ارتباط، نظارت و لزوم نظارت با جمع کردن سؤال‌هایی که مربوط به آن عوامل هستند و تقسیم حاصل جمع بر تعداد سؤال‌ها به دست می‌آید. بدین ترتیب گستره نمرات برای هر یک از زیرمقیاس‌ها از ۱ تا ۵ در تغییر می‌باشد. نمره بالاتر در مقیاس ارتباط به معنای ارتباط و محبت بیشتر یا کیفیت بهتر در ارتباط (از دیدگاه والد یا دانشجو) می‌باشد. نمره بالاتر در مقیاس نظارت نیز به معنای اعمال نظارت و کنترل بیشتر و نیز اعتقاد بیشتر به لزوم نظارت به رفتار دانشجو در حوزه‌های مختلف اجتماعی، تحصیلی و رفتاری (از دیدگاه فرزند یا والد) می‌باشد. البته به این پرسشنامه موادی جهت اطلاع از مشخصات فردی آزمودنی‌ها هم چون سن، جنس، میزان تحصیلات، تعداد فرزندان خانواده، فاصله محل سکونت تا محل تحصیل، نوع ارتباط دانشجو با والد، میزان ارتباط و... افزوده شده است.

### یافته‌ها

داده‌های جمعیت شناختی این پژوهش نشان می‌دهند گستره سنی دانشجویان شرکت‌کننده در طرح از ۱۸-۳۰ سال با میانگین سنی ۲۱/۷۰، برای پدران آن‌ها ۸۰-۳۵ سال با میانگین سنی ۵۲/۸۷ و گستره سنی برای مادران ۷۶-۳۰ سال با میانگین سنی ۴۷/۳۶ می‌باشد. هم‌چنین این داده‌ها در مورد تعداد فرزندان والدین شرکت‌کننده در طرح نشان می‌دهد بالاترین درصد (۲۵/۱) مربوط به والدین با ۳ فرزند است، سپس به ترتیب والدین با ۴ (۲۳/۱)، و ۲ (۱۷/۱) فرزند قرار دارند. درصد تک فرزندها نیز ۱/۵٪ است. از نظر این‌که فرزند چندم به عنوان آزمودنی دانشجو در طرح شرکت کرده است، بالاترین درصد مربوط به دومین فرزند با ۲۵/۳٪ است. فرزند اول و سوم به ترتیب با ۲۴/۳٪ و ۲۰/۶٪ در جایگاه‌های بعدی قرار دارند. هم‌چنین تعداد دانشجویان در گروه مشروط ۴۲۱ نفر با ۴۱۱ نفر معادل، و در گروه کمیته انضباطی ۲۳۷ نفر با ۲۴۵ نفر معادل می‌باشد. در جدول ۱ تعداد دانشجویان دختر و پسر در دانشگاه‌های شهرهای مختلف نشان داده شده و همان‌طور که مشخص است تعداد پسران بیشتر از دختران است.

جدول ۱: توزیع فراوانی فرزندان دانشجوی خانواده‌های شرکت‌کننده

در پژوهش به تفکیک جنس

جنسیت	دانشگاه ←					
	شهید بهشتی	اصفهان	تبریز	شهرکرد	گیلان	مجموع
دختر	۱۹۸	۹۴	۹۵	۹۸	۱۳۹	۶۲۴
	۵۱/۷	۴۸	۳۵/۲	۵۱/۶	۴۹/۸	۴۷/۳
پسر	۱۸۵	۱۰۲	۱۷۵	۹۲	۱۴۰	۶۹۴
	۴۸/۳	۵۲	۶۴/۸	۴۸/۴	۵۰/۲	۵۲/۷

در جدول ۲ میانگین سنی دانشجویان شرکت‌کننده در طرح و والدین آن‌ها در دانشگاه‌های شهرهای مختلف نشان داده شده است. بالاترین میانگین سنی پدران برای دانشجویان دانشگاه گیلان با میانگین سنی ۵۳/۵۶ و پایین‌ترین میانگین سنی برای پدران دانشجویان دانشگاه شهرکرد با میانگین سنی ۵۱/۳۷ می‌باشد. برای مادران این میانگین سنی از ۴۵/۸۷ برای دانشجویان شهرکرد تا ۴۹/۷۴ برای دانشجویان دانشگاه گیلان در تغییر است، و برای فرزندان این میانگین سنی از ۲۱/۱۷ در دانشگاه اصفهان تا ۲۲/۰۴ در دانشگاه شهید بهشتی در تغییر می‌باشد.

جدول ۲: میانگین سنی دانشجویان شرکت‌کننده در طرح و والدین

## آن‌ها در دانشگاه‌های مختلف

انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	شاخص افراد	دانشگاه
۷/۲۷	۵۲/۸۶	۷۴	پدر	شهید بهشتی
۶/۸۰	۴۷/۲۴	۷۳	مادر	
۲/۹۸	۲۲/۰۴	۳۸۳	دانشجو	
۷/۴۲	۵۳/۰۷	۷۵	پدر	تبریز
۶/۳۳	۴۶/۶۰	۷۵	مادر	
۱/۵۹	۲۱/۶۰	۲۷۰	دانشجو	
۶/۷۳	۵۳/۰۹	۷۵	پدر	اصفهان
۶/۳۹	۴۶/۷۴	۷۴	مادر	
۱/۶۱	۲۱/۱۷	۱۹۶	دانشجو	
۷/۴۸	۵۱/۳۷	۷۴	پدر	شهرکرد
۶/۵۹	۴۵/۸۷	۷۶	مادر	
۱/۸۳	۲۱/۶۳	۱۹۰	دانشجو	
۵/۶۰	۵۳/۵۶	۷۴	پدر	گیلان
۴/۹۹	۴۹/۷۴	۷۵	مادر	
۱/۴۴	۲۱/۷۲	۲۷۹	دانشجو	
۶/۹۵	۵۲/۸۷	۱۱۹۵	پدر	مجموع دانشگاه‌ها
۶/۳۷	۴۷/۳۶	۱۲۶۷	مادر	
۲/۱۱	۲۱/۷	۱۳۱۸	دانشجو	

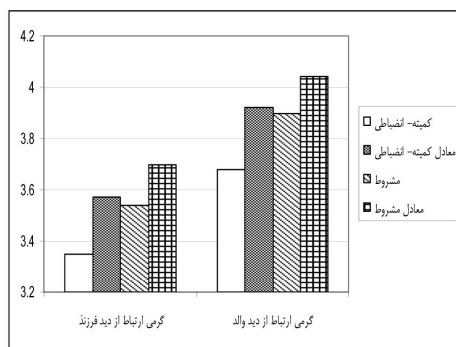
در جدول ۳ تعداد آزمودنی‌ها، میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای مقیاس‌های چندگانه (ارتباط از دید فرزند، ارتباط از دید والد، گرمی ارتباط از دید فرزند، گرمی ارتباط از دید والد، نظارت از دید فرزند، نظارت از دید والد، لزوم نظارت از دید فرزند و لزوم نظارت از دید والد) را در چهار گروه دانشجویان «مشروط کمیته انضباطی، و معادل آن‌ها» نشان داده است.

جدول ۳: میانگین و انحراف استاندارد نمرات متغیرهای مقیاس‌های چندگانه در چهار گروه

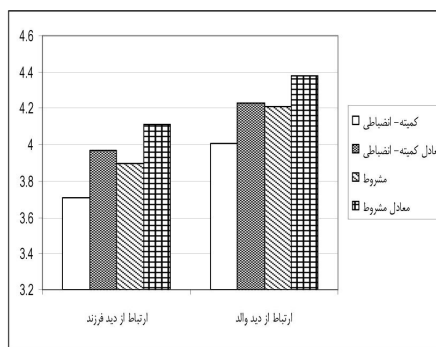
دانشجویان و نتایج تحلیل واریانس مقایسه گروه‌ها

متغیرها	شاخص گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	F	سطح معناداری	آزمون تعقیبی شفه
ارتباط از دید فرزند	کمیته انضباطی	۲۳۶	۳/۷۱	۰/۷	۱۳۱۲	۱۵/۵۲	۰/۰۰۱	گروه‌های معادل مشروط با کمیته انضباطی، $p < ۰/۰۰۱$ و مشروط، $p < ۰/۰۰۴$
	معادل کمیته انضباطی	۲۴۵	۳/۹۷	۰/۷۲				
	مشروط	۴۲۱	۳/۹۰	۰/۷۸				
	معادل مشروط	۴۱۱	۴/۱۱	۰/۶۹				
ارتباط از دید والد	کمیته انضباطی	۲۳۰	۴/۰۱	۰/۶	۱۲۶۰	۱۸/۷۴	۰/۰۰۱	گروه‌های کمیته انضباطی با سایر گروه‌ها، $p < ۰/۰۰۱$ . گروه‌های معادل مشروط با مشروط، $p < ۰/۰۰۲$ .
	معادل کمیته انضباطی	۲۳۹	۴/۲۳	۰/۶				
	مشروط	۳۹۰	۴/۲۱	۰/۶۶				
	معادل مشروط	۴۰۲	۴/۳۸	۰/۵				
گرمی ارتباط از دید فرزند	کمیته انضباطی	۲۳۷	۳/۳۵	۰/۷	۱۳۱۱	۱۲/۵۰	۰/۰۰۱	گروه‌های کمیته انضباطی با سایر گروه‌ها، $p < ۰/۰۰۱$ . گروه‌های معادل مشروط با مشروط، $p < ۰/۰۰۱$ .
	معادل کمیته انضباطی	۲۴۵	۳/۵۷	۰/۶۵				
	مشروط	۴۲۱	۳/۵۴	۰/۷۲				
	معادل مشروط	۴۰۹	۳/۷	۰/۶۹				
گرمی ارتباط از دید والد	کمیته انضباطی	۲۳۰	۳/۶۸	۰/۵۹	۱۲۶۰	۱۹/۶۴	۰/۰۰۱	گروه‌های کمیته انضباطی با سایر گروه‌ها، $p < ۰/۰۰۱$ . گروه‌های معادل مشروط با مشروط، $p < ۰/۰۰۱$ .
	معادل کمیته انضباطی	۲۳۹	۳/۹۲	۰/۵۷				
	مشروط	۳۹۰	۳/۹۰	۰/۶۲				
	معادل مشروط	۴۰۲	۴/۰۴	۰/۵۰				
نظارت از دید فرزند	کمیته انضباطی	۲۳۷	۳/۵۱	۰/۶۵	۱۳۱۲	۱۲/۸۷	۰/۰۰۱	گروه‌های کمیته انضباطی با سایر گروه‌ها، $p < ۰/۰۰۱$ . گروه‌های معادل مشروط با کمیته انضباطی و مشروط، $p < ۰/۰۰۱$ .
	معادل کمیته انضباطی	۲۴۴	۳/۶۹	۰/۶۷				
	مشروط	۴۲۱	۳/۶۵	۰/۶۳				
	معادل مشروط	۴۱۱	۳/۸۳	۰/۶۳				
نظارت از دید والد	کمیته انضباطی	۲۳۰	۳/۶۳	۰/۵۴	۱۲۵۹	۱۰/۰۲	۰/۰۰۱	گروه‌های کمیته انضباطی با سایر گروه‌ها، $p < ۰/۰۰۱$ . گروه‌های معادل مشروط با مشروط، $p < ۰/۰۰۱$ .
	معادل کمیته انضباطی	۲۳۹	۳/۸۳	۰/۵۶				
	مشروط	۳۹۰	۳/۷۶	۰/۶۰				
	معادل مشروط	۴۰۱	۳/۸۷	۰/۵۳				
لزوم نظارت از دید فرزند	کمیته انضباطی	۲۳۷	۲/۸۴	۰/۹۵	۱۳۱۳	۱/۴	۰/۰۰۱	گروه‌های کمیته انضباطی با معادل کمیته انضباطی، $p < ۰/۰۰۴$ و معادل مشروط $p < ۰/۰۱$
	معادل کمیته انضباطی	۲۴۵	۲/۶۲	۰/۸۱				
	مشروط	۴۲۱	۲/۶۱	۰/۸۱				
	معادل مشروط	۴۱۱	۲/۶۷	۰/۷۸				
لزوم نظارت از دید والد	کمیته انضباطی	۲۳۰	۲/۴۸	۰/۹۵	۱۲۶۱	۲/۳۹	۰/۰۰۱	گروه‌های کمیته انضباطی با معادل کمیته انضباطی، $p < ۰/۰۰۳$ و معادل مشروط $p < ۰/۰۲$
	معادل کمیته انضباطی	۲۴۰	۲/۳۳	۰/۹۷				
	مشروط	۳۹۰	۲/۵۴	۱/۰۶				
	معادل مشروط	۴۰۲	۲/۵۱	۰/۹۹				

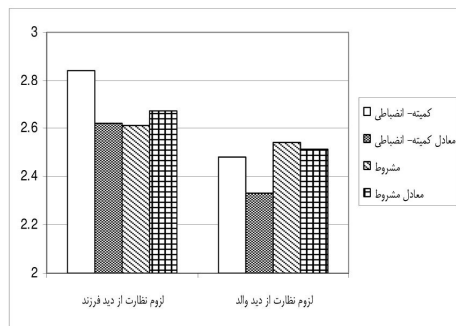
نتایج داده‌ها در جدول ۳ نشان می‌دهد میانگین نمرات تمام متغیرهای ذکر شده از دید والدین و فرزندان دانشجوی آن‌ها که در گروه‌های مشروط و کمیته انضباطی قرار دارند، به جز متغیرهای «لزوم نظارت از دید فرزند» و «لزوم نظارت از دید والد» نسبت به سایر گروه‌ها (دانشجویان گروه‌های معادل) پایین‌تر است. به عبارت دیگر در مجموع والدین و فرزندان دانشجوی آن‌ها که متعلق به گروه‌های مشروط و کمیته انضباطی هستند، در ارزیابی‌های خود ارتباط، گرمی ارتباط و نظارت کمتری را نسبت به سایر گروه‌ها گزارش کرده‌اند. همچنین دانشجویان مشروط و کمیته انضباطی و والدین آن‌ها در مقایسه با دانشجویان و والدین سایر گروه‌ها لزوم نظارت بیشتری را بر وضعیت تحصیلی و اجتماعی دانشجویان خواستار هستند. در نمودارهای ۱ تا ۴ این تفاوت‌ها نمایش داده شده است.



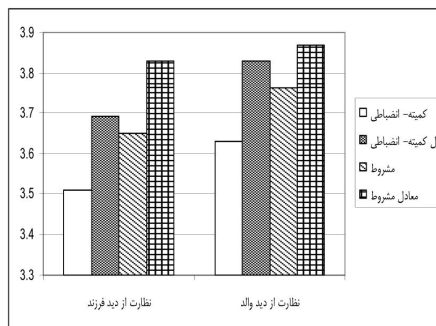
نمودار ۲: تفاوت میانگین نمرات متغیرهای گرمی ارتباط از دید فرزند و والد در گروه‌های چهارگانه دانشجویان



نمودار ۱: تفاوت میانگین نمرات متغیرهای ارتباط از دید فرزند و والد در گروه‌های چهارگانه دانشجویان



نمودار ۴: تفاوت میانگین نمرات متغیرهای لزوم نظارت از دید فرزند و والد در گروه‌های چهارگانه دانشجویان



نمودار ۳: تفاوت میانگین نمرات متغیرهای نظارت از دید فرزند و والد لزوم نظارت در گروه‌های چهارگانه دانشجویان

با توجه به نتایج تحلیل داده‌ها و وجود تفاوت‌های معنادار متغیرهای مقیاس‌های چندگانه در بین گروه‌های مشروط، کمیته انضباطی و گروه‌های معادل آن‌ها، این سؤال مطرح می‌شود که شانس برتری کدام متغیرها برای قرار گرفتن در گروه‌های کمیته انضباطی و مشروط بیشتر است، پاسخ به این سؤال با استفاده از آزمون رگرسیون لجستیک انجام شد و نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که مدل کلی فقط برای نسبت برتری تعلق به گروه کمیته انضباطی معنادار می‌باشد. طبق نتایج جدول ۴ و تحلیل آماری آزمون رگرسیون لجستیک ملاحظه شد که مدل کلی با  $\chi^2_{(8)} = 62/09$  و  $P = 0/001$  از لحاظ آماری معنادار است. به عبارت دیگر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته اثر دارند. در جدول ۴ چگونگی ورود متغیرها در معادله و نتایج آن گزارش شده است.

جدول ۴: نتایج بررسی رگرسیون لجستیک برای تعیین شانس برتری متغیرها در گروه‌های کمیته انضباطی

متغیرها	B	خطای برآورد	آزمون والد	درجه آزادی	سطح معناداری	شانس بهبودی
قدم اول	-۰/۳۰	۰/۱۶۷	۳/۲۵	۱	۰/۰۷۱	۰/۷۳
	-۰/۱۳	۰/۱۷۹	۰/۵۴	۱	۰/۴۶۲	۰/۸۷
	۰/۱۱	۰/۱۷۲	۰/۴۰	۱	۰/۵۲۳	۱/۱۱
	-۰/۴۸	۰/۱۹۰	۶/۵۰	۱	۰/۰۱۱	۰/۶۱
	-۰/۱۳	۰/۱۶۴	۰/۶۵	۱	۰/۴۱۸	۰/۸۷
	-۰/۱۰	۰/۱۵۴	۰/۴۷	۱	۰/۴۹۱	۰/۹۰
	۰/۲۰	۰/۰۹۴	۴/۵۳	۱	۰/۰۳۳	۱/۲۲
	۰/۰۳	۰/۰۷۹	۰/۱۷	۱	۰/۶۷۳	۱/۰۳
	۱/۹۳	۰/۷۴۵	۶/۷۳	۱	۰/۰۰۹	۶/۹۱
ثابت						

همان‌طور که در جدول ۴ نتایج آزمون والد نشان می‌دهد ضرایب دو متغیر گرمی ارتباط از دید والد و لزوم نظارت از دید فرزند معنادار است. بنابراین برآورد می‌شود برتری تعلق به گروه دانشجویان کمیته انضباطی شانس بیشتری از لحاظ این دو متغیر دارد. البته در حالی که ضریب B متغیر گرمی ارتباط از دید والد نشان می‌دهد که یک واحد افزایش در این آزمایش، برتری لگاریتمی بهبود در پیش‌بینی را ۰/۴۸- کاهش می‌دهد، ضریب B متغیر پیش‌بینی‌کننده لزوم نظارت از دید فرزند برتری لگاریتمی بهبود را ۰/۲۰ افزایش می‌دهد. هم‌چنین متغیر پیش‌بینی‌کننده ارتباط از دید فرزند با ضریب B ۰/۳- و سطح معناداری ۰/۰۷ گرایش به سطح معنادار شدن را دارد. این نتایج بدین معنا است که نسبت فراوانی تعلق به گروه کمیته انضباطی با کیفیت ارتباط از دید والد و ارتباط از دید فرزند ارتباط معنادار منفی و با لزوم نظارت از دید فرزند ارتباط معنادار مثبت دارد.

## بحث

مطالعه حاضر به بررسی تأثیر رفتار ارتباطی و نظارتی والدین بر وضعیت تحصیلی- اجتماعی دانشجویان پرداخت تا از این گذار به ارزیابی نقش کمیت و کیفیت ارتباط و نظارت خانواده‌ها و پیامدهای آن در سازگاری تحصیلی و اجتماعی فرزندان آن‌ها بپردازد.

به‌طور خلاصه، مقایسه نتایج گزارش شده در این پژوهش نشان داد که تفاوت میانگین نمرات متغیرهای کیفیت ارتباط با خانواده و میزان نظارت والدین (مقیاس‌های چندگانه؛ ارتباط از دید فرزند و والد، گرمی ارتباط از دید فرزند و والد، نظارت از دید فرزند و والد و لزوم نظارت از دید فرزند و والد) در بین دانشجویان متعلق به گروه‌های مشروط و معادل مشروط، کمیته انضباطی و معادل کمیته انضباطی به‌گونه‌ای است که میانگین نمرات ارتباط و گرمی ارتباط و همچنین نظارت در دانشجویان و والدین دانشجویان متعلق به گروه‌های مشروط و کمیته انضباطی نسبت به گروه‌های معادل پایین‌تر و تفاوت میانگین نمرات معنادار است.

شاید مهم‌ترین و اصلی‌ترین یافته پژوهش این است که تفاوت میانگین نمرات مقیاس‌های چندگانه (ارتباط، گرمی ارتباط، نظارت و لزوم نظارت) در بین دانشجویان متعلق به گروه‌های مشروط، کمیته انضباطی و گروه‌های معادل آن‌ها به‌گونه‌ای است که میانگین نمرات کیفیت ارتباط با خانواده (ارتباط و گرمی ارتباط) و همچنین میزان نظارت والدین در دانشجویان و والدین دانشجویان متعلق به گروه‌های مشروط و کمیته انضباطی نسبت به گروه‌های معادل آن‌ها پایین‌تر و تفاوت میانگین نمرات معنادار است. نکته جالب توجه این‌جا است که دانشجویان متعلق به گروه کمیته انضباطی بالاترین میانگین نمرات را در متغیرهای «لزوم نظارت از دید فرزند و والد» به دست آورده‌اند. یعنی معتقد بودند باید کنترل بیشتری از سوی والدینشان بر رفتار آن‌ها می‌بود.

به دنبال نتایج فوق در جدول ۴ شانس نسبت برتری فراوانی تعلق دانشجویان به گروه کمیته انضباطی، با متغیرهای «گرمی ارتباط از دید والد و فرزند» رابطه منفی و متغیر «لزوم نظارت از دید فرزند» رابطه مثبت به دست آمده است. به عبارت دیگر هر چه والدین دانشجو و نیز خود دانشجو به ترتیب ارتباط گرم‌تر و بیشتری (و در واقع محبت بیشتری) را ارزیابی کرده بودند فراوانی آن‌ها در گروه کمیته انضباطی کمتر بود و دانشجویان متعلق به گروه کمیته انضباطی نمره بالاتری در لزوم نظارت یا لزوم کنترل به دست آورده بودند. نتایج پژوهش حاضر همسو با پژوهش‌های وینتر و یاف (۲۰۰۰)، رایس و همکاران (۱۹۹۵) می‌باشد.

در این پژوهش مقایسه چهار گروه نشان می‌دهد که ارتباط ضعیف‌تر (محبت کمتر) و کنترل (نظارت) پایین‌تر والدین- فرزندان در گروه‌های مشروط و کمیته انضباطی نسبت به گروه‌های معادل آن‌ها بیشتر مشاهده می‌شود. این مطلب می‌تواند بازگوکننده این نکته باشد که بزرگسالان جوانی که

ارتباطات خانوادگی ضعیفتر و محبت و کنترل کمتری را از طرف خانواده دریافت می‌کنند، با مشکلات سازگاری تحصیلی و اجتماعی بیشتری در دانشگاه مواجه هستند.

به باور آگلیاتا و رنک (۲۰۰۸) با این‌که دانشجویان در این سنین به دنبال جدایی و کسب هویت خویشتن هستند، اما هنوز هم والدین را به عنوان منابع اقتدار در نظر می‌گیرند و متوقع هستند والدین انتظارات خود را از رفتارها و پیامدهای رفتاری فرزندان نشان بیان نمایند، به نحوی اگر این انتظارات برآورده نشود ممکن است دانشجویان دچار تعارض شوند.

بوهل<sup>۳۶</sup> (۲۰۰۷) در یک مطالعه طولی که تأثیر کیفیت ارتباط والد-فرزند را بر سلامتی دانشجویان در طی دوران درسی و بعد از آن یعنی انتقال از دانشگاه به محیط کاری بررسی کرده است، تأکید دارد که یکی از مؤلفه‌های مهم در افزایش سلامت روان دانشجویان کیفیت ارتباط والدین با فرزندان و میزان محبت بین آن‌ها است. هم‌چنین در مطالعات متعددی از جمله: کنی و سیرین<sup>۳۷</sup> (۲۰۰۶)، لفکویتز<sup>۳۸</sup> (۲۰۰۵)، به‌نقل از کنی و سیرین، (۲۰۰۶) و وینتر و یاف (۲۰۰۰) گزارش شد که نوع ارتباط والد-فرزند می‌تواند پیش‌بینی‌کننده سازگاری در دانشگاه باشد و کیفیت این ارتباط به‌خصوص بر سلامت روان و سازگاری دانشجویان تأثیرگذار است. اسکمک و همکاران (۱۹۹۶) اعتقاد دارند ارتباط مناسب والدین و فرزندان، همدردی در مورد مشکلات، تبادل نظر در مورد مسائل تحصیلی و اجتماعی، منجر به ایجاد احساس خودکارآمدی<sup>۳۹</sup> در دانشجویان می‌شود و این احساس نیز منجر به انگیزه بیشتر برای کسب موفقیت‌های بعدی در تحصیل می‌گردد. هم‌چنین احساس خودکارآمدی در جوانان با اکتشاف خود<sup>۴۰</sup> همراه است که راه را بر بسیاری از خطاها می‌بندد. استریچ و برانت<sup>۴۱</sup> (۱۹۹۹)، به‌نقل از وینتر و یاف، (۲۰۰۰) در پژوهش خود از یک نمونه ۲۳۶ نفری دانشجویان گزارش دادند که خصوصیات والدینی نقش مهمی در نوع رویکرد و نگرش دانشجویان ایفا می‌کند. در این پژوهش دانشجویان گزارش کردند که خصوصیات محیط خانه از قبیل حمایت و محبت والدین، اعمال سبک تربیتی مقتدرانه، گفتگو و همدردی، تأثیر مهمی بر موفقیت‌های آن‌ها دارد. البته ارزش سبک تربیتی مقتدرانه والدین در تاریخچه سازگاری مطلوب در دانشجویان به وسیله مطالعه وینتر و یاف (۲۰۰۰) بیشتر مورد تأکید قرار گرفت. یافته‌های پژوهش این پژوهشگران نشان داده است که نشانه‌های افسردگی و استرس بالا با سبک تربیتی استبدادی مادر و هم‌چنین فقدان سبک تربیتی مقتدرانه والدین ارتباط نزدیکی دارد. سبک‌های والدگری و به خصوص نوع مقتدر آن اثر مستقیم بر سازگاری مطلوب دانشجویان دارد. ارتباطات حال حاضر با والدین، به خصوص ادراک از درک متقابل و بحث و تبادل نظر راجع به دانشگاه و مسائل مرتبط با آن اثر مستقیمی بر سازگاری دانشجویان داشته است (وینتر و یاف، ۲۰۰۰).

کاپلان و همکاران<sup>۴۲</sup> (۲۰۰۲) نیز اعتقاد دارند که عامل خانواده، یک عامل حیاتی در موفقیت تحصیلی و سازگاری مناسب دانشجویان در هنگام انتقال به دانشگاه است. نوع ارتباطات در خانواده،

محبت رد و بدل شده میان فرزندان و والدین، محیط عاطفی آن و ارزش‌های والدین به عنوان ابعاد تأثیرگذار بر فرایند تحولی فرزندان در نظر گرفته شده است. به نظر کاپلان و همکاران (۲۰۰۲) محیط خانوادگی مناسب نقش مهمی در رشد عزت‌نفس دانشجویان ایفا می‌کند که منجر به سازگاری مطلوب و موفقیت تحصیلی می‌شود. به باور این پژوهشگران سازگاری در دانشگاه می‌تواند به وسیله ترکیبی از عامل‌های خانوادگی و مفهوم از خود در دانشجویان پیش‌بینی شود. به خصوص پیوستگی خانوادگی، تعارضات بین اعضای خانواده و مفهوم از خود، به عنوان مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌ها شناخته شده‌اند. در همین زمینه نتایج پژوهش‌های صادقی و همکاران (۱۳۸۸) نشان داد که ارتباط والد-فرزند با شکل‌گیری مناسب حوزه‌های خود و فاصله بین آن‌ها ارتباطی مستقیم دارد، به نحوی که در پیش‌بینی متغیر فاصله خودهای واقعی و بایدهی سبک تربیتی استبدادی پیش‌بینی‌کننده مثبتی برای این متغیر می‌باشد و گویا با افزایش خود بایدهی در سبک تربیتی استبدادی فاصله بین خودهای واقعی و بایدهی نیز در این سبک بیشتر شده است. این پژوهشگران ضمن اشاره به آسیب‌زایی فاصله نامناسب بین نواحی مختلف خود به علت بروز نشانه‌های تنیدگی هیجانی مرتبط با آن، توضیح می‌دهند فاصله مناسب بین خودهای واقعی و ایده‌آل<sup>۴۳</sup> (AI) مرتبط با حضور یا عدم حضور پیامد مثبت و اهداف آن بر اساس پیشرفت، دستیابی به آرزوها و اشتیاق‌ها است. افکار و رفتاری که نوعاً به وسیله به دست آوردن پیامدهای مثبت تنظیم می‌شود باعث رشد و پیشرفت می‌شود و این رشد و پیشرفت مرهون سبک تربیتی مقتدرانه (حمایت و کنترل مناسب) می‌باشد. هم‌چنین فاصله بین خود واقعی و بایدهی<sup>۴۴</sup> (AO) مرتبط با حضور یا عدم حضور پیامدهای منفی است که بر اساس اجبارها و وظایفی تعریف می‌شود که افراد تمایل دارند رفتارها و تفکرات خود را طبق آن اجبارها تنظیم کنند تا پیامدهای منفی مرتبط با امنیت و پاسخگویی را کاهش دهند. فاصله زیاد بین نواحی خود نتیجه این احساس است که فرد نتوانسته است آن‌چه را که طبق اجبارها و وظایف از خود انتظار دارد یا دیگران از وی انتظار دارند، برآورده سازد و بنابراین می‌بایست تنبیه شود. قابل توضیح است فاصله نامناسب در این حوزه خود نتیجه عدم ارتباط مناسب والدین و فرزندان آن‌ها می‌باشد که پیامد آن می‌تواند منجر به شکل‌گیری رفتارهای نامطلوب در فرزندان شود.

روشن است که نتیجه این تحقیق و نیز نتایج تحقیقات متعدد در این زمینه نشان‌دهنده این مطلب است که مؤلفه‌های خانوادگی و کیفیت ارتباط والد-فرزند، از جمله مؤلفه‌های کلیدی و مهمی هستند که به طور مستقیم و غیرمستقیم با درجه سالم ماندن و ایجاد سازگاری‌های مناسب دانشجویان ارتباط دارد. در واقع بر اساس نتایج پژوهش حاضر و مرور مطالعاتی از این قبیل، حمایت خانواده نقش بسیار مهمی را در زندگی تحصیلی و سازگاری اجتماعی دانشجویان ایفا می‌کند. حمایت و کنترل والدین از فرزندان و همدردی و بحث و تبادل نظر آن‌ها با فرزندان به عنوان یک منبع مهم پرورش‌دهنده سازگاری مناسب تحصیلی و اجتماعی شناخته شده است. از سوی دیگر با



توجه به نقش بسیار با اهمیت والدین در ایجاد سازگاری‌های مطلوب در دوران دانشگاه و کاهش استرس دانشجویان بدیهی است برنامه‌ریزی برای آموزش والدین در این حوزه می‌تواند سدی در مقابل بروز مشکلات در دانشگاه و اتخاذ اقدام‌های پیشگیرانه باشد. استفاده از پتانسیل‌های حمایتی و نظارتی خانواده در سازگاری روانی، اجتماعی و آموزشی دانشجویان دانشگاه، و یافتن الگویی مناسب و مؤثر برای مرتبط کردن متناسب خانواده‌ها با دانشگاه، به شکلی که از یک سو منجر به افزایش امکان ارتباط خانواده‌ها با دانشجویان و نیز امکان نظارت و کنترل بیشتر آن‌ها گردد و از سویی دیگر با خواسته‌ها و تمایلات طبیعی و منطبق با تحول استقلال‌خواهی جوانان دانشجو نیز برخورد و تعارضی نداشته باشد، وظیفه خطیر پیش روی پژوهشگران و سیاست‌گذاران حوزه آموزش عالی در کشور می‌باشد.

شک نیست در نیل به این هدف مهم بررسی و ارزیابی تجربه‌های دانشگاه‌های جهان بسیار آموزنده و کمک‌کننده خواهد بود، اما در عین حال بایستی بر این نکته نیز تصریح و تأکید کرد که چنین الگویی باید با استفاده از همه یافته‌های علمی و تجربه‌های عملی جهانی و نیز با در نظر گرفتن خصوصیات و شرایط فرهنگی و اجتماعی کشور، طراحی و تدوین گردد و پس از ارزیابی‌های همه‌جانبه به تجربه و آزمون درآمده و پیامدهای آن به دقت مورد ارزیابی قرار گیرند. اما به هر حال این نکته را نیز بایستی توضیح داد که بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر محور بنیادی چنین الگویی بایستی به تسهیل ارتباط خانواده‌ها با دانشگاه، هشیار کردن والدین نسبت به ضرورت و اهمیت حیاتی حفظ و تدوام و حتی غنی‌تر کردن روابط والدین با فرزندان دانشجوی خود و نیز آگاه کردن آن‌ها نسبت به جایگزین‌ناپذیر بودن وظایف حمایتی، ارتباطی و نظارتی خانواده در دوران دانشجویی فرزندان قرار گیرد.

به هر حال با این‌که نتایج تحقیقات و شواهد تجربی فراوانی که با انجام مطالعات در کشورهای مختلف و نیز تحقیق حاضر به دست آمده است، نشان می‌دهد که هرگاه خانواده در فرایندسازی تنش دانشجویان در خصوص سازگاری با دانشگاه به طور مؤثر عمل کرده است، تأثیر بسیار معنادار و مهمی برای سازگاری موفقیت‌آمیزتر و پیشرفت تحصیلی بیشتر دانشجویان داشته است، اما برای بهترین راه رسیدن به ایجاد بیشترین سازگاری تحصیلی، اجتماعی و روانی در دانشجویان نقش عوامل مداخله‌گر بسیاری مطرح می‌شود که پاسخ به آن‌ها بایستی بر عهده تحقیقات بعدی واگذار شود.

#### پی‌نوشت‌ها

1. Tao et al
2. Mc Carthy et al
3. Scher, Wood & Gotham
23. Karustis, Power, Rescorla, Eiraldi, Gallagher
24. Hill
25. Blair & Blair, Madamba

4. Ji & Yu
5. Pantage & Greedon
6. Adams
7. Okour & Hijazi
8. Lamothe et al
9. Hunsberger, Pancer, Pratt & Alista
10. Riggo, Watring & Throckmorton
11. Yaffe
12. Nebel- Schwalm
13. Dicipline
14. decipling & parenting
15. Dornbuch, Ritter, Leiderman, Roberts, & Fraleigh
16. Parental involvement
17. Keith, et al
18. Neisser, et al
19. Coll & Keith
20. Demo, Acock
21. Forhand et al
22. Unger, Mc Leod, Broan, Tressell
26. Unger et al
27. Amato & Keith
28. El sheikh & El moore staiten
29. Kenny & Donaldson
30. Lapskey et al
31. Rice, FitzGerald, Whaley & Gibbs
32. Desforges & Abouchar
33. Dornbush, Ritter, & Leiderman
34. Validity
35. Reliability
36. Buhl
37. Kenny & Sirin
38. Lefkowitz
39. Self efficacy
40. Self explority
41. Strage & Brandt
42. Caplan et al
43. Actual-ideal discrepancy
44. Actual-ought discrepancy

### منابع

- آقاجری، ز. (۱۳۷۴). بررسی تأثیر شیوه فرزندپروری والدین بر عزت نفس و سازگاری فرزندان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، تهران.
- زاده‌محمدی، ع.، حیدری، م.، جندقی، غ. ر.، پورا اعتماد، ح. ر.، ملک‌خسروی، غ.، و سعادت‌مند، ن. (۱۳۸۵). بررسی تأثیر عوامل خانوادگی در وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه استان قم. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۷(۲)، ۲۵۶-۲۳۹.
- صادقی، م.، انصاری‌نژاد، ف.، فدایی، سحر؛ روبن‌زاده، ش.، و ابراهیمی، س. م. (۱۳۸۸). نقش سبک‌های تربیتی والدین در شکل‌گیری انواع خودها و فاصله بین آن‌ها در فرزندان. *فصلنامه علمی پژوهشی خانواده‌پژوهی*، ۱۸(۵)، ۱۵۸-۱۳۹.
- ملاشریفی، ش.، و خسور، ح.، و سلیمی‌زاده، م. ک. (۱۳۸۴). هنجاریابی مقیاس جو خانواده برای خانواده ایرانی ساکن تهران. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۳(۱)، ۲۶۸-۲۵۵.

- Adams, G. R. (2000). The transition to university and beyond [Special issue]. *Journal of Adolescent Research*, 15(1), 145-156.
- Agliata, A. K., & Renk, K. (2007). College students' adjustment: The role of parent-college student expectation discrepancies and communication reciprocity. *Journal of Youth Adolescent*, 37, 967-982
- Amato, P. R., & Keith, B. (1991). Parental divorce and the well-being of children: A met analysis. *Psychological Bulletin*, 110, 26-46.
- Berzonsky, M. (2004). Identity style, parental authority, and identity commitment. *Journal of Youth and Adolescence*, 33(3), 213-220.
- Buhl, H. M. (2007). Well-Being and the child parent relationship at the transition from university to work life. *Journal of Adolescent Research*, 22(5), 550-571.

- Caplan, S. M., Henderson, C. E., Henderson, J., & Fleming, D. L. (2002). Socio-emotional factors contributing to adjustment among early-entrance college students. *Gifted Child Quarterly*, 46(2), 124-134.
- Cool, V. A., & Keith, T. Z. (1991). Testing a model of school learning: Direct and indirect effects on academic achievement. *Contemporary Educational Psychology*, 16, 28-44.
- Desforges, C., & Abouchar. A. (2006). *The impact of parental involvement, parental support and family education on pupil achievements and adjustment: A literature review* [On-line]. Available: <http://www.findarticles.com>
- Demo, D. H., & Acock, A. C. (1988). The impact of divorce. *Journal of Marriage and the Family*, 50, 619-648.
- Dornbusch, S. M., Ritter, P. L., & Leiderman, P. H. (1987). The relation of parenting style to adolescent school performance. *Child Development*, 58, 1244-1257.
- Dornbusch, S. M., Ritter, P. L., Leiderman, P. H., Roberts, D. F., & Fraleigh, M. J. (1988). The relation of parenting style to adolescent school performance. *Child Development*, 65, 754-770.
- El-Sheikh, M., & Elmore-Staton, L. (2004). The link between marital conflict and child adjustment: Parent-child conflict and perceived attachments as mediators, potentiators, and mitigators of risk. *Development & Psychology*, 16, 631-648.
- Forehand, R., Wierson, M., Thomas, A. M., Armistead, L., Kempton, T., & Neighbors, B. (1991). The role of family stressors and parent relationships on adolescent functioning. *Journal of the American Academy of Child & Adolescent Psychiatry*, 30, 316-322.
- Hill, N. E. (2001). Parenting and academic socialization as they related to school readiness: The roles of ethnicity and family income. *Journal of Educational Psychology*, 93, 686-697.
- Karustis, J. L., Power, T. J., Reacorla, L. A., Eiraldi, R. B., & Gallagher, P. R. (2000). Anxiety and depression in children with ADHD: Unique associations with academic and social functioning. *Journal of Attention Disorders*, 4, 133-149.
- Keith, T. Z., Keith, P. B., Quirk, K. J., Sperduto, J., Santillo, S., & Killings, S. (1998). Longitudinal effects of parent involvement on high school grades: Similarities and differences across gender and ethnic groups. *Journal of School Psychology*, 36, 335-363.
- Kenny, M. E., & Donaldson, G. A. (1991). Contributions of parental attachment and family structure to the social and psychological functioning of first-year College Students. *Journal of Counseling Psychology*, 38, 479-486.
- Kenny, M. E., & Sirin, S. R. (2006). Parental attachment, self-worth, and depressive symptoms among emerging adults. *Journal of Counseling and Development*, 84, 61-71.
- Lapsley, D., Rice, K., & FitzGerald, D. (1990). Adolescent attachment, identity, and adjustment to college: Implications for the continuity of adaptation hypothesis. *Journal of Counseling & Development*, 68, 561-565.
- McCarthy, C. J., Brack, C. J., Hsin-tine, T. L., & Carlson, M. H. (1998). Relationship of college students' current attachment to appraisals of parental conflict. *Journal of College Counseling*, 1(2), 135-154.

- Neisser, U., Boodoo, G., Bouchard, T. J., Boykin, A. W., Brody, N., Ceci, S. J. (1996). Intelligence: Knowns and unknowns. *American Psychologist*, 51: 77-101.
- Nebel-Schwalm, M. S. (2006). *The relationship between parent-adolescent conflict and academic achievement*. Unpublished Master Thesis, Louisiana State University, Louisiana.
- Okour, A. M., & Hijazi, H. H. (2009). Domestic violence and family dysfunction as risk factor for violent behavior among university students in North Jordan. *Journal of Family Violent*, 24, 361-366.
- Rice, K. G., FitzGerald, D. P., Whaley, T. J., & Gibbs, C. L. (1995). Cross-sectional and longitudinal examination of attachment, separation-individuation, and college student adjustment. *Journal of Counseling & Development*, 73, 463-474.
- Scher, K. J., Wood, P. K., & Gotham, H. J. (1996). The course of psychological distress in college: A prospective high-risk study. *Journal of College Student Development*, 37, 42- 50.
- Schmeck, R. R., & Nguyen, T. (1996). Factors affecting college students' learning styles: Family characteristics which contribute to college students attitudes toward education and preferences for learning strategies. *College Student Journal*, 30(4), 542-547.
- Tao, S., Dong, Q., Pratt, M. W., Hunsberger, B., & Pancer, S. M. (2000). Social support: Relations to coping and adjustment during the transition to university in the Peoples' Republic of China. *Journal of Adolescent Research*, 15, 123-144.
- Unger, D. G., McLeod, L. E., Brown, M. B., & Tressell, P. A. (2000). The role of family support in inter parental conflict and adolescent academic achievement. *Journal of Child and Family Studies*, 9(2), 191-202.
- Winter, M. G., & Yaffe, M. (2000). First- year students' adjustment to university life as a function of relationships with parents. *Journal of Adolescent Research*, 15, 9-37.